

حضرت امام خمینی می نویسند:

«لا ینبغی الإشکال فی جواز الانتفاع بأرواث مأكول اللحم، و کذا جواز بیعها، و سائر التقلّب فیها، عدا الأکل، للسیرة المستمرة بین المسلمین فی الأعصار و الأمصار. قال الشیخ: «سرجین ما یؤکل لحمه یجوز بیعه» إلى أن قال: «و یدلّ علی ذلك بیع أهل الأمصار فی جمیع الأعصار لزروعهم و ثمارهم، و لم نجد أحدا کره ذلك، و لا خلاف فیہ، فوجب أن یكون جائزا».

و عن السید الإجماع علی جواز الانتفاع بها. ... كما لا ینبغی التأمل فی جواز الانتفاع بالعذرة النجسة، سیما عذرة الإنسان، للسیرة المستمرة فی الأعصار علی الانتفاع بها فی التسمید.

فعن المبسوط أنّ «سرجین ما لا یؤکل لحمه، و عذرة الإنسان، و خراء الکلاب، لا یجوز بیعها، و یجوز الانتفاع بها فی الزروع و الکروم و أصول الشجر بلا خلاف» و یتّضح من العلامة و غیره، أنّ جوازه للتسمید مفروغ عنه. إنّما الکلام فی جواز بیعها و صحّته، فهل یجوز مطلقا، كانت من الإنسان أو غیره من الحيوانات الغیر المأكولة، أو لا مطلقا، أو جاز فی غیر الإنسان، أو العکس؟ وجوه یتّضح الأوجه منها بعد النظر فی الأخبار و کلمات الأصحاب.^۱

ادله مسئله:

بر حرمت بیع و معامله عذره یا به ادله عامّه - که سابقاً دلالت آنها را نپذیرفتیم - استدلال شده است و یا به اجماع و یا به ادله خاصه.

اجماع - علی رغم آنکه تحصیل آن هم ممکن است - ظاهراً مدرکی است و لا اقل آنکه محتمل المدرکیه است. اما اینکه دلیل مجمعی را «عدم منفعت در عذره» به حساب آوریم، حکم کاملی نیست چراکه دانستیم از قدیم الایام انتفاع از عذرات در مزارع شایع بوده است.

اما ادله خاصه:

ظاهراً ۴ روایت در موضوع عذره وارد شده است:

➤ یک)

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مِسْكِينٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَصَّاحٍ عَنْ يَعْقُوبَ

بْنَ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: ثَمَنُ الْعَذْرَةِ مِنَ السُّخْتِ.»^۲

سند حدیث:

۱. المكاسب المحرمة (للإمام الخميني)؛ ج ۱، ص: ۵۸

۲. وسائل الشيعة؛ ج ۱۷، ص: ۱۷۵



روایت را شیخ طوسی از حسن بن محمد بن سماعه نقل کرده است. طریق شیخ به حسن بن محمد بن سماعه عبارت است از دو طریق:

۱. «احمد بن عُبدون عن ابی طالب الانباری عن حمید بن زیاد»
 ۲. «شیخ ابو عبدالله (شیخ مفید) و الحسین بن عبیدالله (ابن غضائری) و احمد بن عُبدون کلهم عن ابی عبدالله الحسین بن علی بن سفیان البزوفری (توثیق شده توسط نجاشی) عن حمید بن زیاد»^۱
- این طریق را مرحوم غفاری در پاورقی تهذیب «کالصحیح» دانسته است.^۲ ظاهراً «کالصحیح» بودن به خاطر حمید بن زیاد است که واقعی بوده است.
- و اما حسن بن محمد بن سماعه را نجاشی^۳ از شیوخ واقفه، فقیه ثقه و کثیر الحدیث و «کان یعاند فی الوقف و یتعصب» معرفی کرده است.
- و اما علی بن مسکین: نام وی در تهذیب و استبصار علی بن سکن ثبت شده است. برنامه درایة النور، این نام را مصحف می داند و صحیح سند را یا «علی بن حسن بن رباط» (ثقه و امامی^۴) و یا «علی بن حسن الطاطری» (از بزرگان واقفه و ثقه و استاد حسن بن محمد بن سماعه^۵) «عن محمد بن مسکین بن عمار» (امامی و ثقه^۶) معرفی می کند.
- البته با توجه به اینکه علی بن حسن طاطری، کتاب عبدالله بن وضاح را مستقیماً نقل کرده است^۷، بعید است که او در این سند باشد و لذا احتمال: «علی بن حسن بن رباط عن محمد بن مسکین بن عمار» احتمال بهتری است.

اما عبدالله بن وضاح: نجاشی وی را امامی و ثقه معرفی کرده است.^۸

۱. تهذیب الاحکام، ج ۱۰ ص ۳۸۹ / چاپ غفاری

۲. همان (پاورقی)

۳. رجال، ص ۴۰

۴. رجال نجاشی ص ۲۵۱

۵. رجال نجاشی ص ۲۵۴

۶. رجال نجاشی، ص ۳۶۱

۷. رجال نجاشی، ص ۲۱۵

۸. رجال نجاشی، ص ۲۱۵



اما یعقوب بن شعیب: نجاشی او را توثیق کرده است.^۱

با این حساب روایت موثق دانسته شده است [برنامه درایة النور]. اگرچه برخی از بزرگان روایت را نپذیرفته اند از جمله علامه مجلسی در ملاذ الاخبار فی فهم تهذیب الاخبار^۲ روایت را مجهول دانسته است.

➤ (دو)

«وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ صَفْوَانَ عَنْ (مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي مِسْمَعٍ) عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ وَ أَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ إِنِّي رَجُلٌ أَبِيعُ - الْعَذْرَةَ فَمَا تَقُولُ قَالَ حَرَامٌ بَيْعُهَا وَ ثَمَنُهَا - وَ قَالَ لَا بَأْسَ بِبَيْعِ الْعَذْرَةِ.»^۳

۱. رجال نجاشی، ص ۴۵۰

۲. ملاذ الاخبار فی فهم تهذیب الاخبار، ج ۱۰ ص ۳۷۸

۳. وسائل الشیعة؛ ج ۱۷، ص: ۱۷۵